

بررسی زبان شناختی آثار دوره‌های هیومانیسم و دوره‌های افسردگی صادق هدایت: تأثیر اختلال دوقطبی^۱

المیرا اسماعیل پور^۲
فرهاد ساسانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۶

تاریخ تصویب: ۹۵/۱/۱۷

چکیده

اختلال دوقطبی نوعی اختلال عاطفی است و افراد مبتلا به آن تغییرات شدید خلقی را تجربه می‌کنند. حدود یک درصد جمعیت جهان مبتلا به اختلال دوقطبی هستند که بیشتر آن‌ها خلایقیت بالایی دارند. از دیدگاه روان پزشکی توصیفی، هنرمندان بسیاری از جمله نویسندگانی مانند صادق هدایت مبتلا به اختلال دوقطبی هستند. هدف این پژوهش، بررسی ویژگی‌های زبانی افراد مبتلا به اختلال دوقطبی است. به همین منظور، از نامه‌های صادق هدایت به شهید نورایی بهره گرفته شده است تا عامل مخاطب‌های متفاوت و تأثیر آن بر نوشته‌های صادق هدایت کنترل شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از حوزه‌های معنایی و همچنین از تغییرات

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2016.2435

^۲ کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه الزهر (نویسنده مسئول)؛ e.esmaelpour@gmail.com

^۳ دکترای تخصصی، دانشیار گروه زبان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء؛ fsasani@alzahra.ac.ir

موضوعی و گام متن‌نامه‌ها به منظور سنجش فشردگی و تنگی کلام استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که با استفاده از معیارهای زبانی بیان‌شده می‌توان دوره‌های اختلال دوقطبی را تشخیص داد. همچنین، با توجه به دوره‌های اختلال دوقطبی به نظر می‌رسد که صادق هدایت مبتلا به اختلال دوقطبی تندچرخشی بوده است. به علاوه، دستاوردهای این پژوهش هم‌راستا با دستاوردهای روان‌پزشکی است و البته معیارهای معنایی دیگری مانند تحقیر و تمسخر نیز به علم روان‌پزشکی معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: اختلال دوقطبی تند چرخشی، حوزه معنایی، دوره

آمیخته، گام، هیپومانیا

۱. مقدمه

ضرغامی و باقری (Zarghami & Bagheri, 2010, p. 28) اشاره می‌کنند که تقریباً یک درصد جمعیت جهان به اختلال دوقطبی^۱ مبتلا هستند. میزان شیوع این اختلال میان جوامع مختلف، نژادها و در تمامی مقطع‌های زمانی تقریباً یکسان است. اختلال دوقطبی گونه‌های مختلفی دارد که می‌توان به نام اختلال دوقطبی نوع یک و اختلال دوقطبی نوع دو اشاره کرد. ضرغامی و باقری (Zarghami & Bagheri, 2010, p. 14-15) اختلال دوقطبی نوع یک را حالتی می‌نامند که بیمار گاهی دچار افسردگی شده و گاهی دوره‌های مانیا یا شیدایی را تجربه می‌کند. در اختلال دوقطبی نوع دو، بیمار علاوه بر دوره‌های افسردگی، دوره‌های هیپومانیا^۲ یا شیدایی خفیف را که به آن نیمه‌شیدایی نیز می‌گویند، تجربه می‌کند. سادوک و سادوک (Sadock & Sadock, 2010, P. 179) بیان می‌کنند که اختلال دوقطبی تندچرخشی^۳ نیز از گونه‌های اختلال دوقطبی به شمار می‌رود و به چهار یا بیش از چهار دوره افسردگی، شیدایی و آمیخته گفته می‌شود که طی یک سال اتفاق می‌افتند. سادوک و سادوک (Sadock & Sadock, 2007, p. 535) در مورد دوره‌های مختلف اختلال دوقطبی ملاک‌های مختلفی ارائه می‌دهند. آن‌ها این اختلال را به چهار دوره مربوط

¹ bipolar disorder

² hypomania

³ rapid cycling

به انواع اختلال دوقطبی تقسیم می‌کنند: دوره افسردگی، دوره شیدایی یا مانیا، دوره نیمه‌شیدایی یا هیپومانیا و دوره آمیخته. در زیر به ویژگی‌های روانی دو دوره افسردگی و شیدایی براساس ملاک‌های سادوک و سادوک (Sadock & Sadock, 2007) و نیز گاس (Goss, 2006) بر پایه دیدگاه لندیس (Landis, 1964) اشاره خواهد شد.

ویژگی‌های روانی دوره افسردگی مشتمل بر مواردی مانند (۱) احساس غمگینی، پوچی و حتی تحریک‌پذیری در کودکان و نوجوانان؛ (۲) کاهش چشمگیر شیفتگی یا لذت‌بردن از همه یا بیش‌تر فعالیت‌ها؛ (۳) کاهش آشکار وزن یا افزایش وزن؛ (۴) کم‌خوابی یا پرخوابی؛ (۵) سرآسیمگی یا کندی روانی - حرکتی؛ (۶) احساس از دست‌دادن انرژی؛ (۷) احساس بی‌ارزشی یا گناه مفرط یا نامتناسب؛ (۸) کاهش قدرت تمرکز یا تفکر (نظیر تردید یا فقدان قاطعیت) یا احساس بلاتصمیمی؛ (۹) افزایش فکر کردن به مرگ نه فقط ترس از مردن و نیز خودکشی هستند.

ویژگی‌های روانی دوره مانیا یا شیدایی و هیپومانیا یا نیمه‌شیدایی دربرگیرنده مواردی مانند (۱) سرخوشی و گشادگی غیرطبیعی و در عین حال تحریک‌پذیری؛ و به بیان گاس (Goss, 2006, p. 90) سرخوشی و شادی؛ (۲) اعتمادبه‌نفس زیاد از حد و یا خودبزرگ‌بینی؛ به بیان گاس (Goss, 2006, p. 90) توهم قدرت و عظمت و نیز خودبزرگ‌بینی؛ (۳) کاهش نیاز به خواب و احساس سرحالی پس از بی‌خوابی‌های زیاد؛ (۴) پرش افکار و احساس مسابقه افکار؛ (۵) حواس‌پرتی یا توجه بی‌درنگ به محرک‌های بیرونی و بی‌اهمیت یا غیرمرتبط؛ (۶) افزایش فعالیت‌هایی اعم از فعالیت‌های اجتماعی، شغلی، تحصیلی و یا جنسی و گاه همراه سرآسیمگی‌های روانی و حرکتی؛ (۷) پرداختن بیش از حد معمول به امور لذت‌آور، مانند ولخرجی هستند.

به باور جونز (Jones, 2002, p. 24) آن‌چه اهمیت دارد این است که اختلال دوقطبی رابطه مستقیمی با خلاقیت دارد. شواهد قانع‌کننده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد افراد خلاق در طول تاریخ مبتلا به این اختلال بوده‌اند. این افراد مشتمل بر هنرمندان، نویسندگان، موسیقی‌دانان، شاعران و هنرپیشه‌گان بوده‌اند. در ایران نیز به موارد مشابهی اشاره شده است که یکی از آن‌ها صادق هدایت است. فدایی (Fadai, 2009) در مقاله‌ای با نام «صادق هدایت از دیدگاه روان‌پزشکی توصیفی» این امر را تأیید می‌کند که صادق

هدایت مبتلا به اختلال دوقطبی بوده است. همان‌گونه که بیان شد، در حوزه روان‌پزشکی ثابت شده است که صادق هدایت مبتلا به اختلال دوقطبی بوده است. این پژوهش سعی بر آن دارد تا معلوم کند آیا بازنمایی زبانی هم می‌تواند نشان‌دهنده اختلال دوقطبی باشد یا نه. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که روان‌پزشک‌ها هم از ابزارهای زبانی برای تشخیص بهره می‌برند. در نتیجه پژوهش حاضر می‌تواند معیارها و الگویی برای پژوهش‌های بالینی در پیوند با اختلال دوقطبی فراهم نماید. هلیدی و متیسن (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 29-31) می‌نویسند:

زبان تجربه انسان را تعبیر می‌کند. چیزها را نام‌گذاری می‌کند و در نتیجه آن‌ها را به مقوله‌ها تعبیر می‌کند؛ و سپس، معمولاً، پا را فراتر از این می‌گذارد و این مقوله‌ها را، اغلب با استفاده از نام‌های بیش‌تری برای انجام این کار، به دسته‌بندی‌ها تعبیر می‌کند. [...] این واقعیت که این‌ها [نام‌گذاری مکان‌ها] از یک زبان به زبانی دیگر متفاوت است یادآور این است که این مقوله‌ها در واقع در زبان تعبیر می‌شوند.

از این بحث می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که زبان و تفکر جدای از هم نیستند. گفتار و همچنین نوشتار انسان بازتاب اندیشه اوست. زبان تجربه‌های انسان از جهان بیرون و هم‌چنین جهان درون ذهن مانند کنش، رخداد و احساس را تعبیر، بازنمایی و نام‌گذاری می‌کند و در نتیجه آن‌ها را به مقوله‌ها طبقه‌بندی می‌کند. این به آن معنا است که زبان توانایی بازتاب اندیشه ما را دارد و این همان چیزی است که هلیدی آن را در فرانتش اندیشگانی جست‌وجو می‌کند. در نتیجه از این مطلب می‌توان چنین استنباط نمود که ویژگی‌های زبان افراد می‌تواند اختلال‌های عاطفی آن‌ها را نشان دهد.

در این پژوهش از نامه‌های صادق هدایت به شهید نورایی که در قالب کتابی با عنوان *صادق هدایت هشتاد و دو نامه به حسن شهید نورایی* که در سال ۱۳۷۹ منتشر شده است، بهره گرفته می‌شود، زیرا نامه‌ها بهتر از دیگر آثار یک نویسنده - آثاری مانند داستان‌ها - بیان‌گر روحيات درونی است چون بی‌واسطه‌تر است. از این گذشته، جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری داستان‌ها کم‌تر در آن‌ها مشاهده می‌شود. در عین حال، جنبه‌های شخصی در آن‌ها بیش‌تر دیده می‌شود. این نامه‌ها خطاب به یک نفر است؛ در نتیجه به این

وسيله تلاش شده‌است تأثیر افراد مختلف در مقام مخاطب مهار شود. به این ترتیب سعی شده تا عوامل تأثیرگذار تا حد امکان خنثی شود. بنابراین، به نظر می‌رسد تغییر خلق و خوی صادق هدایت در زمان‌های مختلف فارغ از عوامل دیگر مشخص شود و امکان بررسی آن فراهم گردد.

با وجود اینکه پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه زبان‌شناسی بالینی انجام شده‌است (Meykade et al., 2017)، پژوهش‌های زبان‌شناختی اندکی در ارتباط با اختلال دوقطبی صورت گرفته‌است. اما، گاس (Goss, 2006, p. 86) به نقل از سن‌فیلیپو (Sanfillipo, 1999, p. 400-407) به مقایسه زبانی شیروفرنی و اختلال دوقطبی پرداخته‌است که از میان آن‌ها می‌توان به برخی از ویژگی‌های زبانی اختلال دوقطبی دست یافت. ویژگی‌های مرتبط با اختلال دوقطبی مشتمل بر مواردی مانند (۱) گسستگی سخن^۱ و پراکنده‌گویی^۲، (۲) سطحی‌گویی^۳، (۳) حاشیه‌پردازی^۴، (۴) فقر گفتار^۵، (۵) اشتقاق تکواژپیشانه^۶، (۶) پیوستگی آوایی^۷، (۷) زنجیره شبه‌دستوری^۸، (۸) بی‌توجهی به عرف مکالمه^۹، (۹) فشار کلام^{۱۰}، (۱۰) پرش افکار^{۱۱}، (۱۱) کنش‌وری فزاینده در برنامه‌ریزی گفتمانی^{۱۲}، (۱۲) بیش تولید واژه‌ها و مفاهیم^{۱۳}، (۱۳) مرجع‌های مبهم^{۱۴}/جناس‌سازی مکرر^{۱۵}، (۱۴) توهم قدرت و عظمت^{۱۶}، (۱۵) احساسات خردکننده^{۱۷}، (۱۶) فقدان بازداری^{۱۸}، (۱۷) مرگ است.

¹ looseness of association

² derailment

³ tangentiality

⁴ circumstantiality

⁵ poverty of speech

⁶ derived morphemic paraphasia

⁷ clang association

⁸ paragrammatical segment

⁹ disregard for conversational convention

¹⁰ pressured speech

¹¹ flight of ideas

¹² excessive levels of activation in discourse Planning

¹³ overproduction of words and intentions

¹⁴ ambiguous referents

¹⁵ frequent punning

¹⁶ delusion of power and grandeur

¹⁷ overwhelming emotion

¹⁸ loss of inhibition

۲. روش پژوهش

در این پژوهش از نامه‌های صادق هدایت به شهید نورایی و خطاب به یک نفر استفاده شده‌است تا حد امکان عوامل تأثیرگذار در تحلیل متن‌ها کم شود و عامل مخاطب‌های متفاوت و تأثیر آن بر نوشته‌های صادق هدایت کنترل شود. از دیدگاه بسیاری از اهل ادب، نامه‌های هدایت به شهید نورایی از جمله نوشته‌های مهم و با ارزش اوست. تعداد نامه‌های مورد بررسی مشتمل بر ۸۲ نامه است که نخستین نامه در ۱۷ دی ۱۳۲۴ نوشته شده‌است و آخرین نامه نیز در تاریخ ۲ آذر ۱۳۲۹ به نگارش درآمده‌است. پاک‌دامن (Pakdaman, 2000, p. 34) در بخش مقدمه کتاب *صادق هدایت هشتاد و دو نامه به حسن شهید نورایی* می‌نویسد که لحن هر نامه همگون و متناسب با گیرنده انتخاب شده‌است که نشان‌دهنده دوستی عمیق میان هر دو نویسنده است. نامه‌نگاری میان دو نویسنده همیشه با یک روال منظم صورت نمی‌گیرد. گاهی تعداد نامه‌ها در فاصله‌های زمانی کم و گاهی زیاد است و گاهی یک‌بار قطع می‌شود.

۳. تحلیل داده‌ها

در تحلیل نامه‌ها به طور همزمان از حوزه‌های معنایی مربوط به حوزه روان‌پزشکی برای تعیین نوع دوره و گام برای تعیین فشردگی یا تنگی کلام استفاده شد. یکی از روش‌های بررسی داده‌ها برای به‌دست آوردن دوره خاص اختلال دوقطبی، بررسی حوزه‌های معنایی مربوط به آن دوره است. فینچ (Finch, 2005, p. 169) در تعریفی از حوزه معنایی اشاره می‌کند که حوزه معنایی گستره‌ای از معنی است که دربردارنده واژه‌ها با مفهوم مربوط به خودشان است. نظریه حوزه معنایی در دهه بیست و سی میلادی به وسیله پژوهشگران سویسی و آلمانی به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفت. بر مبنای این نظریه، مفاهیم واژه‌ها با یکدیگر دسته‌بندی می‌شوند تا حوزه‌های معنایی را شکل دهند و این فرآیند آن‌قدر ادامه می‌یابد تا تمامی زبان را در بر گیرد. برای نمونه، حوزه معنایی واژه *دیوانگی* را می‌توان این گونه شناسایی کرد که مفهوم این واژه، مفاهیم واژه‌هایی همچون *دیوانه*، *مجنون*، *احمق*، *شیزوفرنیک* و موارد مشابه را در بر می‌گیرد که برخی از آن‌ها هم‌معنای واژه *دیوانگی* هستند و برخی دیگر انواع این واژه‌اند. در متن‌های بررسی شده، حوزه‌های

معنایی برگرفته از دستاوردهای روان‌پزشکی مورد سنجش قرار گرفته‌است. به غیر از این حوزه‌های معنایی، حوزه‌های معنایی دیگری نیز یافته شده‌است که به آن اشاره خواهد شد. از حوزه‌های معنایی برگرفته از دستاوردهای روان‌پزشکی می‌توان سرخوشی^۱، بذله‌گویی^۲، خشم^۳، دشواژه (تابو)، حوزه معنایی افسردگی، مرگ و یا خودکشی را نام برد. از دیگر حوزه‌های معنایی یافت‌شده نیز می‌توان به حوزه‌های معنایی تحقیر و تمسخر اشاره کرد. باید توجه داشت که در برخی موارد شاید با خواندن یک جمله نتوان به حوزه معنایی مربوطه رسید بلکه کلیت متن ما را به سمت آن حوزه معنایی می‌کشاند. برای نمونه، حوزه معنایی خشم را شاید نتوان در یک جمله ارزیابی کرد بلکه کل نامه به ما کمک می‌کند که دریابیم آیا این حوزه معنایی در آن جمله وجود دارد یا نه. زیرا در کل نامه، حداقل عامل تحریک و خشم آمده‌است. در برخی موارد، حوزه‌های معنایی یافت‌شده در مقایسه با متن نامه‌های دیگر به دست آمده‌است. برای نمونه، در بررسی حوزه معنایی سرخوشی، متن‌های گویای آن حوزه در تقابل با نامه‌های مشتمل بر حوزه معنایی افسردگی بررسی شده‌است. در زیر، به بررسی تعدادی از نمونه‌های حوزه‌های معنایی یادشده و دوره‌های مربوط به اختلال دوقطبی خواهیم پرداخت.

۳.۱. هیومانیسم

۴۰ نامه‌ها در دوره هیومانیسم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حوزه‌های معنایی مربوط به این دوره سرخوشی، بذله‌گویی، خشم، دشواژه (تابو)، تحقیر و تمسخر هستند. در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

۳.۱.۱. سرخوشی

پورافکاری (Pourafkary, 1994, p. 478) سرخوشی را حالتی مشخص با احساس پیروزی و رضایت از خود و خوش‌بینی می‌داند.

^۱ معادل واژه‌هایی همچون elevated mood، elation و euphoria.

^۲ معادل واژه‌هایی همچون humor و joke.

^۳ معادل واژه anger.

نامه شماره ۳ [۲۴ اسفند ۱۳۲۴]

کالیگولا خیلی انترسان^۱ بود.

لذا به توسط این کاغذ تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت سال جدید تقدیم می‌دارم.

۳. ۱. ۲. بذله‌گویی و تمسخر

پورافکاری (Pourafkary, 1994, p. 692) بذله‌گویی را شوخ‌بودن تعریف کرده‌است. باید در نظر داشت که در بی‌نشان‌ترین حالت می‌توان آن‌ها را بذله‌گویی در نظر گرفت. مواردی مانند آهنگ در گونه گفتار می‌تواند متنی را از حالت بذله‌گویی به حالت تمسخر تغییر دهد اما این تحلیل صرفاً بر اساس بافت نوشتاری است. البته تحلیل حوزه‌های معنایی را باید به صورت یک پیوستار در نظر گرفت. انوری (Anvari, 2003, p. 662) تمسخر را مورد شوخی یا تحقیر قراردادن کسی یا چیزی تعریف می‌کند. از این تعریف می‌توان این‌گونه دریافت که تمسخر ترکیبی از بذله‌گویی و خودبزرگ‌بینی است و هر دوی این مفهوم‌ها نشانه‌های بارز دوره هیپومانیا است.

نامه شماره ۲۴ [۱۹ فروردین ۱۳۲۶]

مسافری نراقی‌نام فردا با هواپیما به سویس خواهد رفت چون می‌خواهد من‌تی به گردنم بگذارد این است که مبادرت به این اقدام موحش کردم.

نامه شماره ۲۶ [۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۶]

من نمی‌دانستم که خانمتان آن قدر [...] به پوست چرک گوسفندان گرگرفته میهن ما علاقه داشته.

۳. ۱. ۳. خشم

پورافکاری (Pourafkary, 1994, p. 79) خشم را یک واکنش هیجانی به نسبت قوی که در انواعی از موقعیت‌ها مانند به‌بند کشیده‌شدن، مداخله بی‌مورد دیگران و موارد مشابه ظاهر می‌شود، تعریف می‌کند. تعریف عینی خشم دشوار است، زیرا این مفهوم با واکنش‌های

^۱ واژه‌ای قرضی از زبان فرانسه است به معنای جالب.

هیجانی دیگری مانند نفرت، پرخاش گری، خصومت و مواردی از این قبیل تلفیق می شود. ضرغامی و باقری (Zarghami & Bagheri, 2010, p. 23) اشاره می کنند که فرد دوقطبی با خلق تحریک پذیر بر اثر تحریک می تواند به شدت خشمگین شود. در این بررسی، صرفاً بر اساس شواهد و قراین متنی، مواردی از خشم بازشناسی می شود.

نامه شماره ۱۲ [۲۶ آبان ۱۳۲۵]

باقی اخبار که رسید می شود فکری برایش کرد اما اگر تا آن وقت روزنامه ای در میان باشد. دولت خیال دارد دسته گل دیگری روی آب بدهد [...] یک نظامی نکره هم همه کاره بشود [...] شاید بسیاری از موجودات را هم سمبل بکنند [...] در هر صورت در این چاهک خلا همه جور کثافت کاری ممکن است. کاغذ فریدون هویدا یک symphonie merde [سمفونی گه] بود [...] نمی دانسته همه جا گه است.

۳. ۱. ۴. دشواژه (تابو)

انوری (Anvari, 2003, p. 1036) دشواژه (تابو) را سخنی می داند که کاربرد آن به دلایل مذهبی، اخلاقی و یا عرف اجتماعی ناپسند است.

نامه شماره ۱۶ [۲۳ دی ۱۳۲۵]

گه گیجه

برج ریخ

۳. ۱. ۵. تحقیر

انوری (Anvari, 2003, p. 574) تحقیر را انجام دادن کاری یا تظاهر حالتی برای کم ارزش نشان دادن یا کوچک شمردن کسی یا چیزی می داند. در واقع تحقیر را می توان نتیجه خودبزرگ بینی دانست که یکی از نشانه های بارز دوره هیپومانیا است. در زیر نمونه هایی از متن هایی که در آن تحقیر دیده شده، آمده است. همان گونه که ممکن است مشاهده شود، گاه تمایز گذاشتن میان تحقیر و تمسخر ساده نیست، زیرا به هر حال اغلب

۱۶ / بررسی زبان‌شناختی آثار دوره‌های هیپومانیا و دوره‌های افسردگی صادق هدایت: تأثیر اختلال دوقطبی

تمسخر با تحقیر و تحقیر با تمسخر همراه است. اما به هر حال، هر دوی این مقوله‌ها در گروه شاخص‌های دوره هیپومانیا انگاشته شده‌است.

نامه شماره ۳۲ [۲۳ شهریور ۱۳۲۶]

این موجودات بدبخت احتیاج به ارزش ندارند و از آن‌ها استفاده زیادی می‌شود.
ملت بوگندو

نامه شماره ۳۳ [۶ مهر ۱۳۲۶]

زبان فارسی نه یک گرامر حسابی دارد نه یک لغت [...] فقط عده‌ای بی‌خود و بی‌جهت اظهار فضل می‌کنند [...] سطح معلومات هم الحمدالله روزبه‌روز پایین‌تر می‌آید.

۲.۳. دوره آمیخته

بر اساس بررسی داده‌ها ۳۶ نامه مربوط به دوره آمیخته است. حوزه‌های معنایی مربوط به این دوره سرخوشی، بذله‌گویی، خشم، دشواژه (تابو)، تحقیر، تمسخر و در عین حال افسردگی، مرگ و خودکشی است. به بیان دیگر، در این دوره، هم ویژگی‌های دوره هیپومانیا دیده می‌شود و هم ویژگی‌های دوره افسردگی.

۱.۲.۳. سرخوشی

نامه شماره ۱۴ [۱۱ آذر ۱۳۲۵]

اما حروف قشنگی دارد.
کتاب انترسانی بود.

۲.۲.۳. بذله‌گویی و تمسخر

نامه شماره ۴۴ [۳ مرداد ۱۳۲۷]

رفته آب خنک بخورد.
جای شما خالی، یک اذان‌خوان عرب برای رادیو استخدام شده [...] ضمناً موجب انبساط خاطر ما را هم فراهم می‌آورد.

۳.۲.۳. خشم

نامه شماره ۲۱ [۱۷ اسفند ۱۳۲۵]

به هر حال، اوضاع و احوال به همان کثافت سابق می گذرد.
حال که ملت به قدر یهودی فلسطینی هم غیرت ندارد، شاید قحطی حسابش را برسد.

۳.۲.۴. دشواژه (تابو)

نامه شماره ۱۴ [۱۱ آذر ۱۳۲۵]

چس ناله

نامه شماره ۲۱ [۱۷ اسفند ۱۳۲۵]

گه آلود

۳.۲.۵. حوزه معنایی افسردگی

نامه شماره ۱۳ [۳ آذر ۱۳۲۵]

بی آنکه امیدی به روزهای بهتر در آینده داشته باشیم.
به هر جوری باید سوخت و ساخت.

۳.۲.۶. مرگ یا خودکشی

نامه شماره ۴۶ [۲۷ مرداد ۱۳۲۷]

در انتظار ترکیدن هستیم.

نامه شماره ۷۰ [۱۰ مهر ۱۳۲۸]

روزها را یکی بعد از دیگری در انتظار ترکیدن می گذرانیم.

۳.۲.۷. تحقیر

نامه شماره ۱۴ [۱۱ آذر ۱۳۲۵]

موجود ضعیف و کله خشکی است.

نامه شماره ۲۳ [۱۲ یا ۱۳ فروردین ۱۳۲۶]

این هم گنده‌گوزی ایرانی است. اگر به ادعای خودشان ایمان دارند، موجودات خوشبختی هستند.

۳.۳. دوره افسردگی

تعداد محدودی از نامه‌ها در دوره افسردگی قرار گرفته‌اند. بر مبنای پیش‌بینی، به دلیل آن که در این دوره فقر کلام وجود دارد، میزان فعالیت نوشتاری بسیار کم می‌شود. حوزه‌های معنایی مربوط به این دوره حوزه معنایی افسردگی که شامل مفاهیمی همچون بی‌علاقگی، بی‌ارزشی، احساس گناه، غم و پوچی است و مرگ و خودکشی است. حوزه معنایی مرگ و خودکشی در تک نامه تشخیص داده شده در دوره افسردگی دیده نشده است.

۳.۳.۱. حوزه معنایی افسردگی

نامه شماره ۷۲ [۵ آذر ۱۳۲۸]

از اوضاع حقیر خواسته باشید مانند سابق به طرز احمقانه‌ای می‌گذرد فقط روزها می‌آیند و می‌روند؛ نه حقی داریم که از کسی بازخواست کنیم، نه میهنی که به گذشته و آینده آن علاقمند باشیم، نه آینده‌ای که برای بهبودی آن بکوشیم و نه زال و زاتولی [...] گیتی است کی پذیرد همواری؟

هوا گاهی ابر است گاهی آفتاب گاهی سرد و یا گرم است. بعضی‌ها به آدم خوبی می‌کنند، بعضی‌ها بدی. مثل این که این‌ها هم کهنه شده.

۳.۴. گام

هر نامه مشخص، صرف نظر از کنش کلامی کلان آن نامه، دارای کنش‌های کلامی میانی است که ساسانی و یزدانی (Sasani & Yazdani, 2013, p. 147) آن را گام^۱ می‌نامند و هر یک نقش گفتمانی خاصی دارند. در واقع تحلیل گام‌ها، منجر به دریافتن تغییرات موضوعی و در نتیجه وجود فشرده‌گی و تنگی کلام می‌شود. تمامی نامه‌ها از جنبه تنگی و

^۱ move

فشردگی کلام یعنی نخست حجم آن‌ها و سپس تغییرات موضوعی مورد بررسی قرار گرفتند. دوره آمیخته با نوسانی از حجم و تغییرات موضوعی همراه بود و در واقع دو بعد درونی خود، یعنی هیپومانیا که با فشار کلام همراه است و افسردگی که با تنگی کلام و موضوعات کم همراه است، را نشان داد. در نامه‌های تشخیص داده شده در دوره هیپومانیا نیز هم حجم نامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و هم تغییر در موضوع‌هایی که مطالعه هر دو فشردگی کلام را نشان داده است. همچنین، تک نامۀ مربوط به دوره افسردگی نیز بررسی شد که آن نیز کم بودن گام‌ها و تنگی کلام را می‌رساند. در زیر نمونه‌هایی از هر سه دوره آورده شده است. از آن جایی که تعداد نامه‌ها بسیار است، به صورت تصادفی و به استفاده از جدول اعداد تصادفی نمونه‌های زیر انتخاب شده‌اند.

۳. ۴. ۱. هیپومانیا

گام‌های نامه شماره ۵

۱. گام آغاز نامه: یا حق.
۲. گام رسیدن نامه شهیدنورایی: کاغذ مفصلی [...] دیروز رسد.
۳. گام پاسخ پرسش‌های شهیدنورایی: چون ممکن است که پس فردا پست فرانسه حرکت کند [...] محتاج تحقیق است.
۴. گام کاغذهای شهیدنورایی: اتفاقاً دوسه روز پیش جرجانی را دیدم [...] دو روز بعد به من رسید.
۵. گام دوسیه‌سازی برای شهیدنورایی: به هر حال مطلبی که هیچ معلوم نیست [...] قضیه از چه قرار است.
۶. گام حساسیت شهیدنورایی: چنان‌که از کاغذهایتان به دست می‌آید [...] روشن خواهد شد.
۷. گام دعوت هدایت به اروپا: از این که مخلص را به خطۀ اروپا دعوت کرده‌اید [...] مردی را آزمود.
۸. گام روزنامه‌ها و مجلات: راجع به روزنامه‌ها و مجلات [...] پیغام فرستادم.
۹. گام شایعات: این که از شایعات [...] فراوان است.

۱۰. گام بازگشت شهیدنورایی: این که اظهار تمایل به بازگشت کرده بودید [...] چاپ مقالات مستقل و غیره.
۱۱. گام نتیجه انتخابات فرانسه: یکی دو روزنامه جدید فرانسه را دیدم [...] عوامل دیگری در بین بوده.
۱۲. گام موضوع آذربایجان: از موضوع آذربایجان پرسیده بودید [...] به نتیجه قطعی نرسیده.
۱۳. گام تمبر پست: تمبر پست [...] خواهم فرستاد.
۱۴. گام کتاب: این که نوشته بودید راه آزادی را خریده‌اید [...] بعد تهیه می‌کنم.
۱۵. گام دکتر رضوی: دکتر رضوی [...] پول در می‌آورد؟
۱۶. گام اختتام نامه: زیاده قربانت

۳. ۴. ۲. دوره آمیخته

گام‌های نامه شماره ۱

۱. گام آغاز نامه: یا حق.
۲. گام تبریک سال نو: اول تا یادم نرفته [...] همین.
۳. گام رسیدن نامه: کاغذهایی که از راه‌ونیمه‌راه فرستاده بودید رسید [...] هر چه خواهی کن.
۴. گام مسافرت به تاشکند: باری، جای شما خالی [...] کشک خودم را دیدم.
۵. گام اخوی شهید نورایی: در مشهد خدمت اخوی بزرگتان [...] اظهار مرحمت کردند.
۶. گام اوضاع تهران: از اوضاع تهران خواسته باشید [...] می‌گذرد.
۷. گام کتاب: L'Etranger [...] تقدیم‌نامه نوشتم.
۸. گام ریتس: از وقتی که شما رفتید دیگر به Ritz نرفته‌ایم [...] در ریتس بگیریم.
۹. گام سلام‌رساندن: به هر حال بچه‌مچه‌ها همه سالمند و سلام می‌رسانند.
۱۰. گام آشنایان صادق هدایت: نمی‌دانم خبر دارید یا نه [...] در وفاداری خود باقی است.
۱۱. گام آرزو: زیاده ایام به کام باد.
۱۲. اختتام نامه: قربانت.

گام‌های نامه شماره ۶۷

۱. گام آغاز نامه: یا حق.
۲. گام شهید نورایی: بعد از کاغذی که تاریخش [...] در جنگل‌های سیاه آلمان هستید.
۳. گام اوضاع صادق هدایت: ما هم توی اتاق ۳۹ درجه [...] این هم آخر و عاقبت ما بود!
۴. گام ستاره زیبایی دنیا: در این ماه مبارک [...] برای اطلاع سرکار تقدیم می‌دارم.

۳. ۴. دوره افسردگی

گام‌های نامه شماره ۷۲

۱. گام آغاز نامه: یا حق.
۲. گام محتویات نامه نورایی: کاغذی که به تاریخ ۷ نوامبر بود [...] خیلی طولانی شد!
۳. گام اوضاع صادق هدایت: از اوضاع حقیر خواسته باشید [...] شاید مقدمات جنون دارد شروع می‌شود.
۴. گام سفارشات صادق هدایت: به هر حال خواهشمندم [...] بی‌اندازه متشکر خواهم شد.
۵. گام اختتام نامه: قربانت.

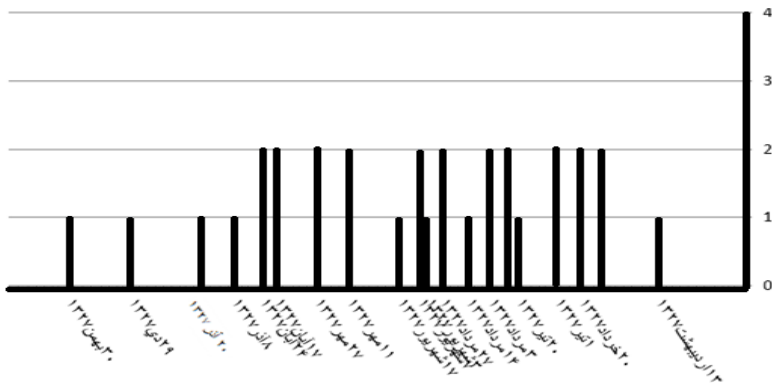
۳. ۵. دوره‌های بیماری بر اساس تحلیل نامه‌ها

بر اساس حوزه‌های معنایی بررسی شده و گام‌ها به نظر می‌رسد نامه شماره ۳ [۲۴ اسفند ۱۳۲۴]، نامه شماره ۵ [۱۷ خرداد ۱۳۲۵]، نامه شماره ۸ [۳ مرداد ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۰ [۱۰ مهر ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۱ [۲۵ مهر ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۲ [۲۶ آبان ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۶ [۲۳ دی ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۷ [۵ بهمن ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۸ [۲۰ بهمن ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۹ [۲۴ بهمن ۱۳۲۵]، نامه شماره ۲۰ [۳ اسفند ۱۳۲۵]، نامه شماره ۲۴ [۱۹ فروردین ۱۳۲۶]، نامه شماره ۲۵ [۲۹ فروردین ۱۳۲۶]، نامه شماره ۲۶ [۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۶]، نامه شماره ۲۷ [۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۶]، نامه شماره ۲۸ [۱۴ خرداد ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۲ [۲۳ شهریور ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۳ [۶ مهر ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۶ [۱۸ آبان ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۷ [۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۱ [۲۰ تیر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۲ [۲۰ تیر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۵ [۱۴ مرداد ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۸ [۱۳ شهریور ۱۳۲۷]،

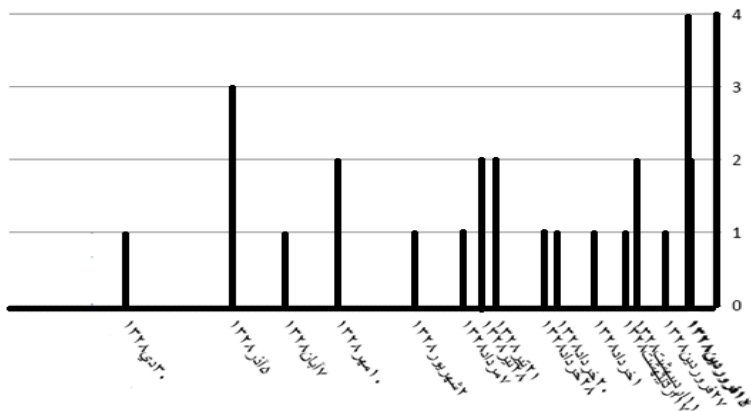
نامه شماره ۴۹ [۱۷ شهریور ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۴ [۸ آذر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۵ [۲۰ آذر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۶ [۲۹ دی ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۷ [۱۷ بهمن ۱۳۲۸]، نامه شماره ۵۸ [۳۰ بهمن ۱۳۲۷]، نامه شماره ۶۱ [۲۷ فروردین ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۳ [۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۴ [۱ خرداد ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۵ [۲۰ خرداد ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۶ [۲۸ خرداد ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۸ [۷ مرداد ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۹ [۲ شهریور ۱۳۲۸]، نامه شماره ۷۱ [۷ آبان ۱۳۲۸]، نامه شماره ۷۳ [۳۰ دی ۱۳۲۸]، نامه شماره ۷۷ [۲۲ مرداد ۱۳۲۹] در دوره هیپومانیا است. همچنین، بر اساس بررسی حوزه معنایی و گام داده‌ها به ظاهر مشخص شد که ۳۶ نامه مربوط به دوره آمیخته است که به این ترتیب است: نامه شماره ۱ [۱۷ دی ۱۳۲۴]، نامه شماره ۲ [۳۰ بهمن ۱۳۲۴]، نامه شماره ۴ [۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۵]، نامه شماره ۶ [۷ تیر ۱۳۲۵]، نامه شماره ۷ [۲۳ تیر ۱۳۲۵]، نامه شماره ۹ [۸ شهریور ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۳ [۳ آذر ۱۳۲۵]، نامه شماره ۱۴ [۱۱ آذر ۱۳۲۵]، نامه شماره ۲۱ [۱۷ اسفند ۱۳۲۵]، نامه شماره ۲۲ [۳۰ اسفند ۱۳۲۵]، نامه شماره ۲۳ [۱۲ یا ۱۳ فروردین ۱۳۲۶]، نامه شماره ۲۹ [۲۲ تیر ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۰ [۱۸ مرداد ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۱ [۲ شهریور ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۴ [۱۸ مهر ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۵ [۱۱ آبان ۱۳۲۶]، نامه شماره ۳۸ [۱ خرداد ۱۳۲۷]، نامه شماره ۳۹ [۲۰ خرداد ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۰ [اوایل تیر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۳ [۲۸ تیر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۴ [۳ مرداد ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۶ [۲۷ مرداد ۱۳۲۷]، نامه شماره ۴۷ [۷ شهریور ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۰ [۱۱ مهر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۱ [۲۷ مهر ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۲ [۱۷ آبان ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۳ [۲۴ آبان ۱۳۲۷]، نامه شماره ۵۹ [۱۴ فروردین ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۲ [۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۸]، نامه شماره ۶۷ [۲۱ تیر ۱۳۲۸]، نامه شماره ۷۰ [۱۰ مهر ۱۳۲۸]، نامه شماره ۷۴ [۱۳ خرداد ۱۳۲۹]، نامه شماره ۷۵ [۱۱ تیر ۱۳۲۹]، نامه شماره ۷۶ [۳۱ تیر ۱۳۲۹]، نامه شماره ۷۸ [۵ مهر ۱۳۲۹]، نامه شماره ۷۹ [۱۸ مهر ۱۳۲۹]. بر اساس بررسی گام داده‌ها و حوزه‌های معنایی ۱ نامه و آن هم نامه شماره ۷۲ [۵ آذر ۱۳۲۸] ظاهراً مربوط به دوره افسردگی است. در نتیجه، نامه‌های شماره ۱۵ [۱۷ آذر ۱۳۲۵]، شماره ۶۰ [۱۵ فروردین ۱۳۲۸]، شماره ۸۰ [۱۱ آبان ۱۳۲۹]، شماره ۸۱ [۲۶ آبان ۱۳۲۹]، شماره ۸۲ [۲ آذر ۱۳۲۹] نیز به نظر می‌رسد مربوط به دوره عادی باشند.

۳.۶. اختلال دوقطبی تندچرخشی

سادوک و سادوک (Sadock & Sadock, 2007, p. 179) اختلال دوقطبی تندچرخشی را به چهار یا بیش از چهار دورهٔ افسردگی، شیدایی و آمیخته گفته‌اند که در عرض یک‌سال اتفاق می‌افتند. با توجه به نمودارهای زیر که در محور عمودی ۱ نشان‌گر دورهٔ هیپومانیا، دو دورهٔ آمیخته، سه دورهٔ افسردگی و چهار دورهٔ عادی است، می‌توان مشاهده کرد که صادق هدایت در سال ۱۹۴۹ [دی ۱۳۲۷ - آذر ۱۳۲۸] بر اساس نامه‌های بررسی‌شده دوره‌های هیپومانیا را بیشتر از چهار بار با فاصلهٔ میان دوره‌ها تجربه کرده‌است. در نتیجه، به نظر می‌رسد صادق هدایت از گروه مبتلایان به اختلال دوقطبی تندچرخشی بوده‌است.



شکل ۱: دوره‌های بیماری صادق هدایت در سال ۱۳۲۷ بر اساس نامه‌های ارسالی



شکل ۲: دوره‌های بیماری صادق هدایت در سال ۱۳۲۸ بر اساس نامه‌های ارسالی

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در بخش درآمد پژوهش حاضر، این مسأله بیان شد چگونه بر اساس معیارهای زبانی می‌توان ثابت کرد که صادق هدایت مبتلا به اختلال دوقطبی بوده‌است؟ یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی زبان‌شناختی نامه‌های صادق هدایت که بر اساس حوزه‌های معنایی و گام بنا شده‌است، نشان می‌دهد که ابزارهای زبانی هم‌راستا با معیارهای روان‌پزشکی است و به نظر می‌رسد زبان‌شناسی می‌تواند با به‌کارگیری ابزارهای خود به صورت ویژه، حوزه‌های معنایی و گام رفتارهای زبانی در مبتلایان به اختلال دوقطبی را هم‌راستا با علم روان‌پزشکی تشخیص دهد. در این پژوهش، جدای از رفتارهای غیرزبانی، بر اساس ابزارهای زبانی برگرفته از پژوهش‌های روان‌پزشکی ثابت شد، که صادق هدایت مبتلا به اختلال دوقطبی بوده‌است. می‌توان تمامی معیارهای به‌دست‌آمده برای دوره‌های هیپومانیا، آمیخته و افسردگی بر اساس تحلیل داده‌ها در پژوهش را در قالب الگوی زیر بیان کرد:

۱. حوزه‌های معنایی دوره هیپومانیا: سرخوشی، بذله‌گویی، خشم، دشوازه (تابو)، تحقیر و تمسخر.

فشردگی و تنکی کلام دوره هیپومانیا: تغییرات موضوعی و تعداد گام‌ها در این دوره زیاد است و فرد مبتلا به اختلال دوقطبی دچار فشار کلام است.

۲. حوزه‌های معنایی دوره افسردگی: افسردگی که دارای مفاهیمی همچون: بی‌علاقگی، بی‌ارزشی، احساس گناه، غم و پوچی است و همچنین دو مفهوم مرگ و خودکشی.

فشردگی و تنکی کلام دوره افسردگی: تغییرات موضوعی و تعداد گام‌ها در این دوره کم است و فرد مبتلا به اختلال دوقطبی دچار فقر کلام است.

۳. حوزه‌های معنایی دوره آمیخته: سرخوشی، بذله‌گویی، خشم، دشوازه (تابو)، تحقیر، تمسخر، افسردگی، مرگ و خودکشی.

فشردگی و تنکی کلام دوره آمیخته: این دوره در ارتباط با تغییرات موضوعی و گام رفتاری دوگانه از خود نشان می‌دهد. در برخی موارد فرد مبتلا به اختلال دوقطبی دچار فشار کلام و در برخی دیگر دچار فقر یا تنکی کلام است.

از سویی، با بررسی زبان‌شناختی نامه‌های ارسالی صادق هدایت و تعیین دوره‌های خاص بیماری مشخص شد که صادق هدایت از اختلال دوقطبی تندچرخه رنج می‌برده است. از

آن جایی که در بخش درآمد اشاره شد حدود ۱٪ مردم جهان به انواع اختلال دوقطبی دچار هستند و با توجه به این مسئله که پژوهش‌های زبانی محدودی در ارتباط با این اختلال صورت گرفته‌است، بررسی‌های افزون‌تری برای تحلیل ویژگی‌های زبانی افراد مبتلا به این اختلال مورد نیاز است.

فهرست منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن. ج ۱. تهران: سخن.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پزشکی. ج ۱. تهران: فرهنگ معاصر.
- جونز، استیون (۱۳۸۷). اختلال دوقطبی. راهنمای زیستن با اختلال شیدایی افسردگی. ترجمه زهره خسروی و زهیر باقری. تهران: نشر علم.
- سادوک و سادوک (۱۳۹۰). راهنمای جیبی روان‌پزشکی کاپلان و سادوک ۲۰۱۰. ترجمه امی تیس توکلی. تهران: انتشارات تیمورزاده.
- ساسانی، فرهاد و نسترن یزدانی (۱۳۹۲). «بررسی تاثیر چینش سازه‌های متن بر کنش کلامی کلان در گفت‌وگوهای روزمره». مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی زبان‌شناسی و مطالعات بینارشته‌ای: مطالعات اجتماعی و فرهنگی زبان، به کوشش فرهاد ساسانی. تهران: نشر نویسه پارسی. صص ۱۴۳ - ۱۶۸.
- ضرغامی، مهران و کیوان باقری (۱۳۸۹). شوریدگی و افسردگی. تهران: قطره.
- میکده، اعظم، پیام ساسان‌نژاد، علی‌اصغر رستمی ابوسعیدی و عباس‌علی آهنگر (۱۳۹۶). «درک منحنی‌های آهنگ در بیماران فارسی‌زبان مبتلا به زبان‌پریشی بروکا». زبان‌پژوهی. سال ۹. شماره ۲۲. صص ۵۵-۷۶.
- هدایت، صادق (۱۳۷۹). صادق هدایت هشتاد و دو نامه به حسن شهید نورائی. مقدمه و توضیحات ناصر پاک‌دامن. پاریس: کتاب چشم‌انداز.

- Anvari, H. (2003). *Farhang-e Feshordeh-ye Sokhan*. Vol. 1. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Fadai, f. (2009). Sadegh Hedayat from the descriptive psychiatry view-point. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 3, 19-26.
- Finch, G. (2005). *Language Concepts in Language and Linguistics* (2nd ed.). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Goss, J. (2006). Poetics of bipolar disorder. *Pragmatics & Cognition*, 14, 83-110.

- Halliday, M. A. K., & Matthiessen C. M. I. M. (2004). *An Introduction to Functional Grammar* (3rd ed.). London: Arnold.
- Hedayat, S. (2000). *Sadegh Hedayat eighty-two letters to Hasan Shahid Norae*. Edited by Naser. Pakdaman. Paris: Cheshmandaz Book [In Persian].
- Jalili, A. (2007). *Understanding mental illness*. Tehran: Ghatre [In Persian].
- Jones, S. (2002). *Coping with bipolar disorder: a guide to living with manic depression*. Translated by Z. Khosravi, & Z. Bagheri. Tehtan: Elm [In Persian].
- Landis, C. (1964). *Varieties of Psychopathological Experience*. New York: Rinehart and Winston.
- Meykade, A., Sasannejad, P., Rostami Abusaeedi, A. A., & Ahanghar, A. A. (2017). Perception of intonational contours in Persian Broca's Aphasics. *Zabanpazuh*. 9 (22), 55-76 [In Persian].
- Miklowitz, D. J. (2011) *Diagnosis and treatment of bipolar disorder*. Translated by N. Ghahan. Tehran: Roshd [In Persian].
- Pourafkary, N. (1994). *A comprehensive dictionary of psychology and psychiatry*. Vol. 1. Tehran: Farhange Mo'aser [In Persian].
- Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2007). *Kaplan & Sadock's Synopsis of Psychiatry*. (10th ed.). Vol. 1. Baltimore: Lippincott Williams & Wilkins.
- Sadock, V., & Sadock, B. (2010) *Kaplan Sadock's pocket handbook of clinical psychiatry* (5th ed.). Translated by E. Tavakolli. Tehran: Teymourzade Publication [In Persian].
- Sanfillipo, L. C. (1999). Language disorders in the psychoses. *Concise Encyclopedia of Language Pathology*, 400-407.
- Sasani, F., & Yazdani, N. (2014). The study of the text Arrangement effects on speech act in daily Speaking. In F. Sasani (Ed.), *Third Conference of Linguistics and Interdisciplinary studies: Social and Cultural Study of Language* (p.p 143- 168). Tehran: Nevis [In Persian].
- Zarghami, M., & Bagheri, M. (2010) *Fatigue and Depression*. Tehran: Ghatre [In Persian].